

بررسی روایت «حبّ علی بن ابی طالب حسنه لا تضر معها سیئه» و دیدگاه‌های مطرح شده درباره آن

سیدمحمدعلی میرصانعی^۱، حمید کریمی^۲

چکیده

در روایات بسیاری بر محبت اهل بیت : تأکید شده است. در این میان، روایاتی که بر محبت علی ۷ ترغیب می‌کند و آن را مایه رستگاری انسان می‌داند، بیش از همه است. یکی از این روایات، حدیث «حبّ علی بن ابی طالب حسنه لا تضرّ معها سیئه...» است. مضمون عجیب این حدیث موجب شده دانشمندان در این موضوع دیدگاه‌های گوناگونی برگزینند. در این مقاله با روش نقلی و تحلیل عقلی به بررسی و نقد سه دیدگاه اصلی (۱) رد حدیث و تأثیر محبت به علی ۷ در رستگاری انسان؛ (۲) محبت به علی ۷ سبب آمرزش گناهان صغیره؛ (۳) محبت به علی ۷ سبب اجتناب از همه گناهان، پرداخته‌ایم و سپس نظریه مختار را تبیین کرده‌ایم که محبت علی، اساس دین و معیار ایمان است و دوستدار ایشان که قهراً مسلمان است، دچار ضرر اصلی که عذاب اخروی یا خلود در آن است، نمی‌شود؛ اگرچه در دنیا و برزخ کیف‌هایی می‌بیند.

واژگان کلیدی: حبّ علی بن ابی طالب ۷، ایمان، سیئه، رستگاری.

^۱ دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب قم. smam1362@yahoo.com

^۲ استادیار و عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علم و صنعت ایران h_karymi@yahoo.com

مقدمه

بعد از اصل توحید، معاد و رسالت پیامبر گرامی اسلام، یکی از آموزه‌های بلند و مهم دینی، مسئله وصایت و جانشینی پیامبر است. پذیرش امامان و جانشینان ایشان و محبت به آنان از ارکان اصلی دین است. خداوند به پیامبر دستور می‌دهد مودت اهل بیت را مزد رسالت خود معرفی کند (شوری(۴۲)، ۲۳) و از دیگر پیشوایان دین نیز در این باره تعبیر بسیار بلندی در منابع روایی موجود است.

بر اساس روایات نبوی، محبت به امیرمؤمنان علی ۷ اهمیت ویژه‌ای دارد و مایه‌ی رستگاری در جهان دیگر است. از صدر اسلام درباره‌ی معنای دقیق این روایات بین عالمان دینی اختلاف بوده است؛ زیرا همان‌گونه که اثر عمل نیک از غیرمسلمان مسئله مهمی است، تأثیر عمل بد از مسلمان و مؤمن هم نیازمند تحلیلی دقیق است. درباره این روایات کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشته شده است، که از آن جمله می‌توان به جلد اول و دوم کتاب قادت‌ها کیف نعرفهم، تألیف آیت‌الله میلانی (میلانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۴۷-۲۴۵)، و مقاله «من رشحاته حب علی» (تجلیل، ۱۴۱۳ق، ص ۲۹-۵۷)، و «جایگاه ولایت و عمل در نجات از منظر شیعه» (مفتاح، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷-۱۸۰)، اشاره کرد. در یکی از این روایات که در منابع شیعه و اهل سنت نقل و دیدگاه‌های گوناگونی درباره آن مطرح شده است، آمده که رسول خدا ۷ فرمود: «حب علی بن ابی طالب حسنه لا تضرّ معها سیئه و بغضه سیئه لا تنفع معها حسنه؛ دوستی علی حسنه‌ای است که هیچ گناهی با آن آسیب نرساند و بغض او گناهی است که هیچ حسنه‌ای با آن فایده نخواهد داشت» (خوارزمی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۷۶). از آنجاکه در خصوص این روایت و مباحث سندی و دلالتی آن اثر مستقلی به

رشته تحریر در نیامده، تحقیق پیش رو بر آن است تا با تحلیل و بررسی دیدگاه‌های مطرح شده درباره این حدیث و جمع‌بندی نهایی آنها، مقصود از این روایت را دریابد.

این حدیث از سه تن از صحابه نقل شده است. شیرویه بن شهردار دیلمی در کتاب فردوس آن را از معاذ بن جبل نقل کرده (دیلمی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۴۲، ح ۲۷۲۵) و قندوزی نیز این حدیث شریف را به نقل از وی آورده است (قندوزی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۴۴). همچنین ابن حسنویه این حدیث را از ابن عباس نقل کرده (بحر المناقب، ص ۷، به نقل از شوشتری، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۲۵۹) و خطیب خوارزمی نیز آن را با سند صحیح از انس بن مالک روایت کرده (خوارزمی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۶)، و حموی در مناهج الفضلین و قندوزی در ینابیع الموده نیز این روایت را از خوارزمی نقل کرده اند (مناهج الفضلین، ص ۳۷۷، به نقل از شوشتری، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۲۵۹؛ قندوزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۲۷۰). راویان این حدیث در مناقب خوارزمی عبارت‌اند از:

- انس بن مالک: صحابی

- خلف بن مهران ابوالریبع: خوارزمی وی را ثقه، صدوق و مرضی خوانده و ابن حبان نام او را در ثقات آورده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۳۳، ترجمه ۲۹۵).

- عمرو بن حمزه ابواسید قیسی: ابن حبان نام وی را در ثقات آورده است (تمیمی، ۱۳۹۵ق، ج ۸، ص ۴۷۹، ترجمه ۱۴۵۴۱).

- محمد بن سعید خزاعی: از رجال صحیح بخاری است (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۰۳۲، ح ۲۶۵۱ و ج ۴، ص ۱۵۴۲، ح ۳۹۷۱) و ابن حبان وی را توثیق کرده است (تمیمی، ۱۳۹۵ق، ج ۹، ص ۶۴، ترجمه ۱۵۲۰۳).

- محمد بن یوسف ضبی: بخاری ۲۶ حدیث از وی در صحیح خود نقل کرده و ابن حجر نیز او را ثقه، فاضل و صالح خوانده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۴۷۲، ترجمه ۸۸۰).

- سلیمان بن احمد طبرانی: از ائمه حدیث و حفاظ و ثقات بوده است (ذهبی، بی تا، ج ۱۶، ص ۱۳۵؛ ابویعلی، بی تا، ج ۲، ص ۴۹).

- عبدالله بن محمد هروی: از حفاظ و زهاد و ائمه حدیث بوده است (ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۴۹، ترجمه ۱۰۲۸).

همه راویان این حدیث از ثقات و بزرگان هستند و در منابع رجالی اهل سنت مدح و توثیق شده‌اند.

در منابع شیعی نیز محدثان بسیاری این روایت را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند که از میان آنها می‌توان مناقب ابن شهر آشوب (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۱۹۷)، کشف الغمّة (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۹۳)، و چهل حدیث منتجب‌الدین رازی (رازی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۴) برادرزاده شیخ صدوق را نام برد که هر سه این روایت را از معاذبن جبل نقل کرده‌اند. از سوی دیگر، برخی از عالمان شیعی روایات مربوط به حب و بغض اهل بیت را به دلیل تواتر معنوی آن، بی‌نیاز از بررسی سندی دانسته‌اند (مظفر، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۴۷۷).

معانی مختلفی برای این حدیث برشمرده‌اند که به سه تحلیل عمده بازمی‌گردد. برخی مانند ابن تیمیه با انکار این حدیث، محبت به حضرت علی ۷ را فاقد هرگونه تأثیری در رستگاری انسان دانسته‌اند. برخی مانند سلطان الواعظین این محبت را موجب آمرزش گناهان صغیره دانسته‌اند و عده‌ای از اندیشمندان همچون شهید مطهری، این محبت را مانع صدور هرگونه معصیت از شیعه پنداشته‌اند. در این نوشتار پس از بررسی و تحلیل این سه دیدگاه، نظریه مختار را تبیین خواهیم کرد.

پرسش اصلی نوشتار این است که: معنای دقیق و صحیح این روایت چیست؟ پرسش‌های فرعی هم چستی نظر ابن تیمیه، سلطان الواعظین، شهید مطهری و حق درباره حدیث است. نقد تفصیلی این سه دیدگاه به همراه توضیح و تحلیل دقیق حدیث، ارمغان این پژوهش خواهد بود.

۱. انکار حدیث و نفی تأثیر حب علی ۷ در رستگاری افراد

این دیدگاه مربوط به ابن تیمیه و پیروان اوست. ابن تیمیه اشکال‌هایی به سند و دلالت این حدیث وارد کرده و به همین دلیل آن را جعلی دانسته است که به بررسی آنها خواهیم پرداخت:

اشکال اول: این حدیث در کتاب فردوس نقل شده و در آن کتاب روایات کذب و جعلی فراوانی وجود دارد. مصنف این کتاب شیرویه بن شهردار دیلمی، گرچه از محدثان است، روایاتی که در این کتاب آورده، بدون سند است و او بین صحیح و ضعیف و موضوع آن فرقی نگذاشته و همه را با حذف سند نقل کرده است. از این رو، احادیث موضوعه بسیاری در آن یافت می‌شود و اعتباری به روایات آن نیست (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۷۳).

پاسخ: چنان‌که در ابتدای بحث گفتیم، روایت یادشده تنها در کتاب فردوس نیامده، بلکه در کتاب‌های حدیثی متعددی نقل شده است و سه تن از صحابه، یعنی معاذبن جبل، انس بن مالک و ابن عباس آن را روایت کرده‌اند. در این میان، روایت خواری از انس بن مالک، دارای سند صحیح است. افزون بر آن، می‌توان گفت روایاتی که مضامین نزدیک به این روایت را بیان می‌کند، به اندازه‌ای مشهور است که انکارشدنی نیست.

اشکال دوم: دوستی خدا و پیامبر بزرگ‌تر از دوستی علی است؛ باین‌حال گناهان به دوستان خدا و رسول ضرر می‌رسانند. حال چگونه می‌توان گفت با وجود دوستی علی گناهان ضرری ندارند؟! رسول خدا ﷺ عبدالله بن حمار را به دلیل شرب خمر تازیانه زد و بعد فرمود: او خدا و رسولش را دوست دارد. این وظیفه هر مؤمن است که خدا و رسولش را دوست بدارد، ولی این دوستی مانع اجرای حدود الهی در صورت ارتکاب گناه نمی‌گردد؛ چه رسد به دوستی علی که پایین‌تر از دوستی خدا و رسول است و به یقین اگر کسی مرتکب سرقت، زنا یا قتل گردد، حدّ بر وی جاری خواهد شد؛ هر چند محب علی باشد (همانجا).

پاسخ: مراد از «لاتضر» در حدیث، خسارت عظیم اخروی است، نه خسارت‌های دنیوی یا اجرای حدود، یعنی کسی که محبت علی را دارد، گناهان مانع دخول او به بهشت نمی‌گردد. توضیح آنکه، کثرت معاصی به سیاه شدن دل می‌انجامد و عاقبت اصل ایمان را از دل می‌زداید و گنهکار را به ورطه کفر و الحاد می‌کشاند: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ؛ آخر سرانجام کار آنان که بسیار به اعمال زشت و کردار بد پرداختند این شد که آیات خدا را تکذیب و تمسخر کردند (روم ۳۰)، ۱۰) و چنین کسی استحقاق ثواب ندارد و اعمال نیک وی در قیامت حبط خواهد شد (فرقان ۲۵)، ۲۵). اما دوستدار حضرت علی ۷ تا وقتی حبّ آن حضرت را در دل داشته باشد، از خطر کفر در امان است و استحقاق ثواب در برابر اعمال نیک خویش را از دست نمی‌دهد؛ هرچند مرتکب معصیت شود؛ چراکه در روایات نبوی حبّ علی بن ابی طالب ۷ مساوی ایمان دانسته شده و مؤمن استحقاق ثواب را از دست نمی‌دهد و مخلّد در آتش دوزخ نمی‌شود.

ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ روایت کرده که به حضرت علی ۷ فرمود: «دوستی تو ایمان است و دشمنی تو نفاق، و اول کسی که وارد بهشت می‌شود، محبّ توست و

اول فردی که وارد دوزخ می‌شود، دشمن توست» (ابن صباغ، بی تا، ص ۵۹۲، ح ۹۷).

ترمذی و احمد حنبل از امام علی ۷ روایت کرده‌اند که فرمود: رسول خدا ۹ با من پیمان بست و به من قول داد که جز مؤمن مرا دوست ندارد و جز منافق با من دشمنی نکند: «عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ عَهْدٌ إِلَيَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ» (ترمذی، بی تا، ج ۵، ص ۶۴۳؛ شبیبانی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۳۶، ح ۷۳۱ و ص ۳۱۶، ح ۱۰۶۲).

مضمون این روایت در منابع فریقین بسیار است و ام سلمه (شبیبانی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۱۱۷، ح ۲۶۵۰۷) و دیگر صحابه نیز آن را نقل کرده‌اند. بنابراین، محبت علی بن ابی طالب ۷ نشانه ایمان، و بغض او نشانه نفاق است. انس بن مالک می‌گوید: بعد از جنگ خیبر مردان مدینه فرزندان خود را به دوش می‌گرفتند و بر سر راه علی ۷ می‌آمدند و آن حضرت را به فرزندان خود نشان می‌دادند و آن‌گاه می‌پرسیدند: فرزندم! آیا این مرد را دوست داری؟ اگر بچه می‌گفت: آری، او را قبول می‌کردند، ولی اگر می‌گفت: نه، او را روی زمین می‌انداختند و می‌گفتند: تو ملحق به مادرت هستی و فرزند من نیستی. من فرزندی که علی بن ابی طالب ۷ را دوست ندارد، نمی‌خواهم (ابن عساکر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۸۹).

این روایت نشان‌دهنده سیره اصحاب است که با حبّ علی، ایمان اشخاص را می‌آزمودند. پس اینکه در روایت آمده بعد از جنگ خیبر چنین رفتاری میان صحابه شیوع یافت، به دلیل کلام رسول خدا ۹ است که در آن جنگ فرمود: «فردا پرچم را به دست کسی می‌دهم که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول نیز او را دوست می‌دارند» (حاکم نیشابوری، ۱۹۷۸م، ج ۳، ص ۱۴۳، ح ۶۵۲).

این نشانه تنها به دنیا مربوط نمی‌شود، بلکه در قیامت هم نشانه مؤمن حبّ علی است. چنان‌که از انس بن مالک روایت شده که گفت: «قسم به خدایی که معبودی جز او نیست، من از رسول خدا ۹ شنیدم که فرمود: عنوان صحیفه مؤمن، حبّ علی بن ابی طالب ۷ است» (متقی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۱، ص ۶۰۱؛ خطیب بغدادی، بی تا، ج ۴، ص ۱۰، ح ۲۳۱۴؛ ابن عساکر، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۳۰).

این اهمیت بدان دلیل است که حبّ علی، فصل اخیر ایمان است و کسی که آن را دارد، حتماً حبّ الله و حبّ نبی را نیز داراست و مراد این نیست که ارزش حبّ علی از

حب نبی و خداوند بالاتر است، بلکه مهم این است که حب علی مؤخر از حب خدا و نبی است؛ کسی که حب علی را دارد، حب رسول و خدا را پیشاپیش دارد، ولی کسی که حب خدا داشته باشد، شاید حب رسول اسلام را نداشته باشد یا اگر حب خدا و رسول مکرم را داشت، ممکن است حب علی را نداشته باشد.

صحت جمیع عبادات، مربوط به ایمان است و غیرمؤمن هرکه باشد و هرچه باشد، مشمول (وَ قَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا) (فرقان (۲۵)، ۲۵) می‌شود و ایمان مرکب از جمیع عقاید حقه است و اگر فاقد یکی از آنها باشد، ایمان نیست، بلکه اگر یکی از ضروریات دین یا مذهب را منکر شود یا بدعتی در دین بگذارد یا به یکی از مقدسات دینی اهانت کند، از ایمان خارج می‌شود و این است مفاد اخباری که از حسنه به ولایت و حب اهل بیت تعبیر کرده است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۹۶).

چنان‌که در تفسیر آیه شریفه (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا) (شوری (۴۲)، ۲۳) از امام باقر ۷ روایت شده که فرمود: «کسی که ولایت اوصیای آل محمد را داشته باشد و از آنان پیروی کند، ولایت انبیای گذشته و مؤمنان قبلی را تا آدم داراست و این همان قول خدای عزوجل است که فرمود: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۵۷۶، ح ۸۱).

نیز از امام حسن مجتبی ۷ روایت شده که در تفسیر آیه (وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا) (شوری (۴۲)، ۲۳) فرمود: «اقتراف و اکتساب حسنه، دوستی ما اهل بیت است» (همان، ج ۴، ص ۵۷۳).

بنابراین، کسی که محبت علی را در دل دارد، ایمان کامل را داراست و گناهان وی هرچه بزرگ باشند، از این حسنه عظیم بیشتر نیست و وُومن از دنیا خواهد رفت و عاقبت در میزان، حسنت او برتری می‌یابد و اهل بهشت می‌گردد؛ چه اینکه هیچ حسنه‌ای برتر و بالاتر از ایمان کامل و عقاید حقه نیست.

از سوی دیگر، محبت علی خود یکی از مکفرات است و سبب آمرزش گناهان می‌شود. رسول خدا ۹ در این باره فرمود: «حِبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ گناهان را می‌زداید؛ همچنان‌که آتش هیزم را از بین می‌برد» (دیلمی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۴۲؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۹ق، ج ۴۲، ص ۲۴۴). همان‌طور که عده‌ای از فرشتگان الهی شبانه‌روز برای محبان امیرمؤمنان استغفار می‌کنند و ثواب عبادات خود را برای آن افراد هدیه می‌نمایند. در

حدیث معراج آمده است که رسول خدا 9 فرمود: «فرشتگان از فراق علی به خدا شکایت کردند. پس خداوند ملکی را از نوری مانند صورت علی آفرید و فرشتگان در هر شب و روز جمعه هفتاد هزار مرتبه او را زیارت می‌کنند و تسبیح و تقدیس خدا را می‌گویند و ثواب آن را به محبان علی هدیه می‌کنند» (گنجی شافعی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳۲).

باید توجه داشت که اگر باور به خداوند و محبت الهی و نیز پذیرش و محبت پیامبر نباشد، محبت علی به تنهایی مفید نخواهد بود. اصل توحید و رسالت پیامبر، مقدم و مهم‌تر از امامت و ولایت ائمه است. بنابراین، فایده ولایت، در حقیقت فایده توحید و رسالت است، پیش از آنکه فایده امامت باشد. اساساً مراد از محبت علی صرف یک کشش قلبی بدون التزام به لوازم آن نیست؛ زیرا هر انسان پاک‌طینتی، خوبی و افراد خوب را دوست دارد، بلکه محبت علی، یعنی پذیرش وصایت و امامت و عصمت علی و التزام به دنباله‌روی از ایشان، که راه ایشان همان اسلام و ایمان است.

اشکال سوم: همه مسلمانان اتفاق نظر دارند که شرک موجب ضرر صاحبش است؛ هرچند آن مشرک محب علی باشد. از این رو، ابوطالب با اینکه محب فرزندش علی بود، به دلیل شرکش داخل در دوزخ است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۷۴).

پاسخ: درباره ایمان ابوطالب کتاب‌های مفصلی از سوی محققان شیعه نگاشته شده و ادله کافی بر این مطلب برای جویندگان حقیقت موجود است،^۱ ولی از آنجاکه موضوع این تحقیق اثبات ایمان آن جناب نیست، به‌طور مختصر به برخی از ادله آن اشاره می‌کنیم:

اولاً: در دین اسلام جایز نیست زن مسلمان در زوجیت مرد مشرک یا کافر باشد. از این رو، رسول خدا 9 دخترخوانده‌های خود را که اسلام آورده بودند، از همسرانشان عتبه و عتبه جدا کرد. از سوی دیگر، شکی نیست که فاطمه بنت اسد از نخستین زنان مؤمنه است؛ باین حال تا زمان فوت ابوطالب در زوجیت او باقی ماند و پیامبر هیچ دستوری مبنی بر جدایی آن دو از هم نداد.

ثانیاً: خدا در قرآن فرمود: (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ)؛ «در میان آنان که به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده‌اند هیچ کس را نمی‌یابی که به دشمنان خدا و رسول محبت داشته

۱. ر.ک: مفید، ایمان ابی‌طالب: امینی، ایمان ابی‌طالب و سیره؛ شاکری، شیخ البطحاء ابوطالب.

باشند و لو پدران یا فرزندان یا برادران یا خانواده آنان باشند» (مجادله (۵۸)، ۲۲). نیز استغفار برای مشرکان (توبه (۹)، ۱۱۳) و نماز بر جنازه آنان حرام است (توبه (۹)، ۸۴).
 بااین حال، وقتی حضرت علی ۷ خبر وفات جناب ابوطالب را به پیامبر داد، آن حضرت سخت گریست و به ایشان دستور داد غسل و کفن و دفن او را برعهده گیرد و از خداوند متعال برای او طلب مغفرت کرد (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳، ج ۱۴، ص ۷۶)، ولی هنگامی که حاتم طایی مرد، پیامبر به سفانه دختر وی فرمود: «اگر پدر تو مسلمان بود، برایش طلب مغفرت می کردیم» (حلبی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۲۲۴).

ثالثاً: در پاسخ اشکال دوم گفتیم که چون حبّ علی ایمان کامل است، سبب نجات می شود. بنابراین، منظور از این محبت، دوستی عشیره‌ای و عاطفی محض نیست، بلکه مراد محبت آمیخته با معرفت است و کسی که حضرت علی ۷ را بشناسد و به دلیل اینکه حجت خدا بر خلق و جانشین پیامبر است و به دلیل سفارش قرآن و سنت به محبت علی، دوستش بدارد، به یقین خود مؤمن خواهد بود. این حبّ فی الله است و با چنین گوهری دیگر شرک به خدا در دل نخواهد آمد. سیئه در حدیث به گناه اشاره دارد، نه اصل کفر در برابر اسلام.

رابعاً: رسول خدا ﷺ به امیرمؤمنان فرمود: «تو در دنیا و آخرت سروری و هرکه تو را دوست بدارد، مرا دوست داشته و دوست من، دوست خداست و دشمن تو، دشمن من است و دشمن من، دشمن خداست. وای بر آن کس که بعد از من با تو دشمنی کند!» (شیبانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۶۴۲، ح ۱۰۹۲). بنابراین، حبّ علی و بغض پیامبر قابل جمع نیستند، بلکه حبّ علی و پیامبر و خدا ملازم هم‌اند.

اشکال چهارم: برترین دوستداران علی کسانی هستند که او را دیده‌اند و در کنار او جهاد کرده‌اند؛ بااین حال خود او همواره ایشان را سرزنش می کرد و از کردار آنان برائت می جست و دعا می کرد خدا کسانی بهتر از آنان را گردش جمع کند و در عوض علی، امیری شرور نصیبشان نماید؛ چراکه آنان از جهاد همراه او سرباز می زدند. پس از اینجا مشخص می شود گناهان موجب ضرر و زیان مجبان علی است و این محبت مانع خسارت آنان نمی شود؛ وگرنه خود علی مجبانش را سرزنش نمی کرد (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۷۵).

پاسخ: اولاً: آنچه ابن تیمیه گفته، در سلفی گری وی ریشه دارد. او همان گونه که

معاصران رسول خدا 9 را برترین مسلمانان می‌داند، چون آن حضرت را دیده‌اند، معاصران با حضرت علی 7 را هم که آن جناب را دیده‌اند، برترین محبان او می‌پندارد؛ درحالی‌که ملازمه‌ای میان معاشرت و معاصر بودن با برتری محبت و ارادت نیست. چه بسا او یس قرنیه که اصلاً حضرت رسول را درک نکرده و در هیچ جنگی کنار ایشان نبوده است، در محبت به پیامبر گوی سبقت را از بسیاری از صحابه بر باید. از این رو، رسول خدا 9 فرمود: «ای کاش برادرانم را ملاقات می‌کردم». عمر بن خطاب پرسید: آیا ما برادران شما نیستیم؟! حضرت جواب داد: «شما اصحاب من هستید، ولی برادران من کسانی هستند که مرا ندیدند و به من ایمان آوردند و تصدیق کردند» (متقی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۴، ص ۴۸؛ ابن عساکر، ۱۴۱۹ق، ج ۳۰، ص ۱۳۸). پس می‌توان در زمان حال افرادی را تصور کرد که در مقایسه با معاصران امیرمؤمنان محبت شدیدتری به آن حضرت دارند.

ثانیاً: آنچه سبب گلایه و شکایت امیرمؤمنان می‌شد، همانا سستی محبت و ارادت آن افراد بود که مانع جان‌فشانی آنها می‌گشت. ایشان در محبت خود صادق نبودند و جان و مال خویش را بر امام ترجیح می‌دادند. در حقیقت محبوب آنان دنیا بود، نه علی بن ابی طالب. اما کسی که محب واقعی آن حضرت باشد و دنیا و آنچه در اوست در نظرش کوچک‌تر از این حب گردد، مورد مدح خدا و نبی و وصی خواهد بود.

ثالثاً: گلایه حضرت در آن زمان با نفی دستگیری از ایشان در قیامت و بی‌فایده بودن محبت ملازم نیست. آری، محبت آنان کامل و موجب تبعیت تمام نبود.

اشکال پنجم: اینکه در روایت محل بحث آمده: «بغض علی گناهی است که هیچ حسنه‌ای با آن سود نمی‌بخشد»، مطلبی ناپذیرفتنی است؛ زیرا دشمن علی اگر کافر باشد، کفرش به او زیان خواهد رساند، نه دشمنی باش با علی و اگر مؤمن باشد، ایمانش به او سود می‌رساند؛ هر چند دشمن علی باشد (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۷۵).

پاسخ: در پاسخ اشکال دوم، نصوصی که بغض علی 7 را مساوی کفر و نفاق می‌خواند، آورده شد و این بدان دلیل است که ایمان از اجزای به‌هم‌پیوسته‌ای تشکیل شده که فقدان هر یک از آنها سبب فقدان کل می‌شود. آنان که به حضرت موسی 7 ایمان آوردند، ولی نبوت حضرت عیسی 7 را منکر شدند، ایمان به موسی نفعی به حالشان نداشت و آنان که به عیسی ایمان آوردند، ولی نبوت حضرت محمد 9 را انکار کردند، مؤمن به‌شمار نمی‌آیند. همچنین کسی که می‌پندارد به رسول خاتم ایمان دارد، ولی در

دلش بغض علی است، در حقیقت ایمان ندارد (خوارزمی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۶؛ متقی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۳، ص ۱۲۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۹ق، ج ۴۲، ص ۲۸۰)؛ چراکه ایمان به محمد با بغض علی جمع نمی‌شود و همه اعمال نیک وی حبط می‌گردد.

به همین دلیل رسول خدا ۹ به حضرت علی ۷ فرمود: «کسی که بمیرد درحالی که تو را دوست می‌دارد، خدا کار او را به ایمان ختم کند و کسی که بمیرد درحالی که با تو دشمن است، به مرگ جاهلی مرده است، ولی اعمال او بر اساس دین اسلام محاسبه می‌گردد» (ابویعلی، بی تا، ج ۱، ص ۴۰۲، ح ۵۲۸)؛ یعنی بی‌ایمان و با دست خالی از دنیا می‌رود، ولی به همه تکالیف شریعت مکلف بوده و برای ترک آنها مؤاخذه می‌شود؛ برخلاف عرب‌های پیش از اسلام که به مرگ جاهلی مرده‌اند، ولی به اسلام مکلف نبوده‌اند.

با توجه به این روایات و روایات گذشته، اصلاً دشمنی علی با ایمان قابل جمع نیست تا ایمان سود بخشد. از سوی دیگر، دشمن علی اگر کافر هم باشد، به یقین هیچ راه نجاتی ندارد، ولی اگر ظاهراً خدا و رسول را پذیرفته باشد، ولی بغض علی داشته باشد، برایش سودی ندارد. در حقیقت ثمره روایت در مسلمان ناصبی خود را نشان می‌دهد که چنین شخصی اصلاً ایمان و اسلام ندارد.

۲. محبت علی ۷ موجب آمرزش گناهان صغیره

دیدگاه دوم از سوی کسانی مانند شیخ مفید، سلطان الواعظین شیرازی و حسن عبدالله علی (رازی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۵۱-۲۵۶؛ علی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۹۰-۱۹۲) ابراز شده است. بر اساس این دیدگاه، سیئه در این روایت به معنای گناه صغیره است؛ چنان‌که خداوند فرمود: (إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ)؛ «اگر از گناهان بزرگی که شما از آن نهی شده‌اید اجتناب کنید، از دیگر گناهان تان درمی‌گذریم» (نساء، ۴)، (۳۱). در این آیه «سیئه» به معنای گناه صغیره و در برابر گناه کبیره آمده است. بنابراین، مراد از «سیئه» در حدیث محل بحث نیز گناه صغیره است و روایت می‌فرماید: محبت علی بن ابی طالب حسنه‌ای است که گناهان صغیره را می‌پوشاند و آن گناهان در برابر این حسنه نمی‌توانند ضرری داشته باشند؛ به این معنا که اگر مؤمنی مرتکب صغیره شد و بدون توبه از دنیا رفت، در صورتی که محب امیرمؤمنان باشد، خداوند او را می‌بخشد و وارد بهشت می‌کند. لیکن باید توجه کرد که روایت ناظر به گناهان کبیره نیست و محبت آن حضرت

موجب غفران گناهان کبیره نمی‌شود، و بر محب آن جناب لازم است برای رستگاری، از گناهان کبیره بپرهیزد.

پس این روایت و مانند آن به معنای جواز اباحه‌گری و جرئت‌یافتن بر انجام گناه نیست، بلکه مانند برخی از آیات قرآن که به گنهکاران وعده عفو و رحمت و قبول توبه می‌دهد تا از ناامیدی آنان جلوگیری کند، به گنهکاران از محبان امیرمؤمنان وعده عفو از گناهان صغیره داده است. البته خداوند همه گناهان را می‌آمرزد (إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ)؛ «خدا همه گناهان را خواهد بخشید که او خدایی بسیار آمرزنده و مهربان است» (زمر (۳۹)، ۵۳)، ولی این بخشش شامل حال توبه‌کنندگان خواهد شد و به همین دلیل بلافاصله بعد از آن فرمود: (وَ أُنَبِّئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ)؛ «و به درگاه خدای خود به توبه و انابه باز گردید و تسلیم امر او شوید پیش از آنکه عذاب به شما فرا رسد» (زمر (۳۹)، ۵۴). اما خداوند کسی را که مرتکب گناه صغیره شده و ناگهان بدون آنکه توبه کند اجلس رسیده و درعین حال محب امیرمؤمنان بوده است، به احترام آن حضرت می‌بخشد (سلطان الواعظین، ۱۴۱۹ق، ص ۵۶۹). بر اساس این دیدگاه، روایت یادشده را باید چنین معنا کرد: «حب علی حسنه لا تضر معها صغیره».

بررسی: اولاً، این درست است که «سیئه» در آیه ۳۱ سوره نساء به معنای گناه صغیره است، لیکن این معنا به قرینه ماقبل به دست می‌آید؛ چراکه «سیئه» را در برابر «کبائر» ذکر کرده است، ولی این واژه به تنهایی چنین معنایی ندارد. به همین دلیل در سوره جاثیه، از کفر به قیامت با عنوان «سیئه» نام برده شده است؛ حال آنکه معاد از مهم‌ترین آموزه‌های اسلام بوده، انکار آن از بزرگ‌ترین گناهان به شمار می‌آید: (وَ إِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ السَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نُنْظَرُ إِلَّا ظَنًّا وَ مَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ، وَ بَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا عَمِلُوا وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ)؛ «و چون به شما گفته شد که وعده خدا حق است و در قیامت هیچ شک و ریب نیست، شما گفتید: ندانیم که قیامت چیست؟ نمی‌پنداریم مگر گمانی و به آن هیچ یقین نداریم. و در آن هنگام (روز قیامت) بدی‌های اعمالشان برای آنان آشکار شود و عذابی که به آن تمسخر می‌کردند، آنان را احاطه کند» (جاثیه (۴۵)، ۳۲ - ۳۳). پس سیئه بر انکار معاد یا گناه کبیره اطلاق شده است.

در سوره یونس نیز مرتکب سیئات را خالد در دوزخ خوانده است: (وَ الَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا

مَنْ الْبَيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ «و کسانی که مرتکب گناهان شدند، به قدر همان اعمال زشت مجازات شوند و گرد خواری و رسوایی بر رخسارشان نشینند، و نگهبانی از (عذاب) خدا نیابند، گویی روی آنها را قطعه‌هایی از شب ظلمانی پوشانده‌اند. آنان اهل آتش دوزخ بوده و در آن همیشه معذب خواهند بود» (یونس (۱۰)، ۲۷).

بنابراین، «سیئه» به معنای قبح و زشتی و بدی در برابر «حسنه» به معنای زیبایی و نیکی است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۲۵۲) و گاهی به معنای گناه کبیره و زمانی به معنای گناه صغیره یا هر دو می‌آید که آن را باید با قرینه تشخیص داد.

ثانیاً، با چنین تحلیلی نیمه دوم حدیث را نمی‌توان معنا کرد؛ زیرا در این صورت باید گفت بغض امیرمؤمنان گناه صغیره‌ای است که هیچ حسنه‌ای با آن سود نبخشد؛ در حالی که برابر احادیث متواتر که از رسول خدا ۹ رسیده است، دشمنی با امام علی 7 به منزله کفر و نفاق است و به همین دلیل هیچ حسنه‌ای با آن سود نمی‌بخشد؛ و الا یک گناه صغیره نمی‌تواند سبب حبط تمام حسنات شود (نراقی، ۱۳۶۹، ص ۱۸۲). از طرفی، وحدت سیاق اقتضا می‌کند معنای «سیئه» در هر دو قسمت حدیث یکسان باشد. بنابراین، چنین تحلیلی در نیمه نخست حدیث هم قابل قبول نیست.

ثالثاً، اگر مراد از سیئه گناه صغیره باشد، باز هم اشکال اباحه‌گری ایشان باقی است و به تجویز گناهان کوچک محدود می‌شود. همچنین تعابیر بلند و متفاوتی که در روایات درباره محبت اهل بیت وارد شده، با این توجیه سازگار نیست.

۳. محبت علی 7 مانع ارتکاب هرگونه معصیت از شیعه

این نظریه از سوی بزرگانی چون شهید ثانی، محقق بهبهانی، فیض کاشانی، شهید مطهری و سید جعفر مرتضی (عاملی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۸۵-۹۰؛ شهید ثانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۲۷-۲۲۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۸۰۶) ارائه شده است. در این دیدگاه عدم اضرار گناه به محب امیرمؤمنان از باب سالبه به انتفای موضوع معنا شده است؛ یعنی محب واقعی آن حضرت اصلاً مرتکب گناه نمی‌شود و حب آن جناب مانع انجام معصیت از طرف محب می‌گردد، نه اینکه محب امیرمؤمنان گناه می‌کند، ولی به او ضرری نمی‌رساند. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: اگر محبت به امیرالمؤمنین راستین باشد، هیچ گناهی به انسان صدمه نمی‌زند؛ زیرا محبت به حضرت علی که نمونه کامل انسانیت و تقوا و عبودیت و اخلاق است، اگر از روی صدق باشد، مانع ارتکاب گناه می‌گردد و فکر

معصیت را از سر محب بیرون می‌کند؛ مانند واکنشی که مصونیت ایجاد می‌کند و نمی‌گذارد بیماری در شخص راه یابد. هر محبی به خواسته محبوبش احترام می‌گذارد و فرمان او را گرامی می‌دارد. فرمان‌برداری از محبوب، لازمه محبت صادقانه است و اختصاص به حضرت علی ندارد. به همین خاطر محبت صادقانه رسول اکرم نیز چنین است. پس معنای حدیث «حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةً لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ» این است که محبت علی حسنه‌ای است که مانع ارتکاب گناه می‌شود؛ نه آنکه جاهلان پنداشته‌اند که با محبت علی هر گناهی مرتکب شوی کیفر ندارد و بلا اثر است. ایشان سپس چند روایت از پیامبر در تأیید این نظر ذکر می‌کند که در آنها بر تأثیر عمل در رستگاری انسان تأکید شده است. روایاتی به این مضمون که بهشت برای افراد مطیع از دستورات الهی است و دوزخ برای عاصیان، چه عبد حبشی باشد و چه ولد قرشی؛ یا اینکه پرهیزکاران دوستان من هستند؛ یا نجات معلول عمل نیک به همراه رحمت الهی است. ایشان سپس اضافه می‌کند که بحث سعادت و شقاوت و مقررات اخروی، قراردادی نیست، بلکه تکوینی است (مطهری، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۱-۳۳۹).

بر اساس این دیدگاه روایت یادشده را باید چنین معنا کرد: «حُبِّ عَلِيِّ حَسَنَةً لَا يَرْتَكِبُ الْمُؤْمِنُ مَعَهَا سَيِّئَةً».

بررسی: هرچند هدف نهایی از تأکید بر محبت امیرمؤمنان، الگویی از رفتار و کردار آن حضرت و نزدیک شدن به نمونه انسان کامل است، نمی‌توان محبت به آن حضرت را منحصر به معصومان دانست. انسان‌های فراوانی هستند که محبت به شاه ولایت را در دل خود احساس می‌کنند، ولی به مرتبه عصمت نرسیده‌اند و گاهی بر اثر غلبه شهوات مرتکب معصیت می‌شوند. خارج کردن همه این افراد از دایره محبان واقعی حضرت علی ۷ خلاف وجدان و روایات اهل بیت است؛ زیرا محب علی، حرارت و کشش به آن جناب را در دل خود احساس می‌کند و این امری وجدانی و انکارناشدنی است. از این رو، در روایت آمده است: «كُنْ مَحَبًّا لِأَلِ مُحَمَّدٍ وَلَوْ كُنْتَ فَاسِقًا».

در روایات بسیاری نیز به این مطلب تصریح شده که حب اهل بیت، کفاره گناهان است و گنهکار به برکت این حب از عذاب اخروی نجات می‌یابد.

اصبغ بن نباته می‌گوید: امیرمؤمنان به من فرمود: «دوست ما دوست خداست. پس هنگامی که دوست خدا بدرود حیات گوید، در جایگاه بلندمرتبه‌ای قرار خواهد داشت و

خدا او را از نهری که آب آن خنک‌تر از برف و شیرین‌تر از عسل و لطیف‌تر از حُباب است، خواهد نوشاند». من عرض کردم: پدر و مادرم فدای تو باد! اگرچه گنهکار باشد؟! حضرت فرمود: «آری، هرچند گنهکار باشد. مگر قرآن نخوانده‌ای که فرمود: پس خدا گناهان آنان را به حسنات تبدیل خواهد نمود و خدا بخشنده و مهربان است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۴، ص ۲۸۱؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۶۶).

رسول خدا ﷺ فرمود: «دوستی ما اهل بیت کفاره گناهان است و حسنات را چند برابر می‌کند و خداوند به جای محبان ما اهل بیت، ظلم‌هایی را که بر بندگان روا داشته‌اند، جبران می‌نماید، مگر اینکه در آن به دیگر مؤمنان ضرر زده باشد و ظلمی به آنها روا داشته باشد؛ پس به گناهان می‌گوید: به حسنه تبدیل شوید» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۵، ص ۱۰۰؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۵).

زید نرسی می‌گوید: به امام کاظم ۷ عرض کردم: مردی از دوستان شماست که به امامت شما معترف است، ولی شراب می‌نوشد و گناهان هلاک‌کننده‌ای مرتکب می‌شود؛ آیا می‌توانیم از او بیزاری بجویم؟ حضرت فرمود: «از فعل او بیزاری بجوید، نه از خودش. او را دوست بدارید، ولی از عملش متنفر باشید». عرض کردم: آیا می‌توانیم او را فاسق و فاجر بنامیم؟ حضرت فرمود: «خیر، فاسق فاجر، کافری است که ما را انکار می‌کند و با دوستان ما به دشمنی برمی‌خیزد. خداوند ابا دارد که دوست ما فاجر باشد؛ هرچند انجام دهد آنچه را انجام داده است. شما بگوئید: عمل او فسق و فجور است، ولی خودش مؤمن است. فعلش پلید است، ولی روح و بدنش پاکیزه است» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۲۳۷).^۱

اگر مراد حدیث، مطلبی باشد که ایشان فرموده، باید بگوئید: حب علی مانع انجام سیئه می‌شود یا محب علی گناه نمی‌کند یا حب علی انسان را از انجام گناه بازمی‌دارد. در این روایات نیامده که حب علی مانع انجام سیئه می‌شود، یا محب علی گناه نمی‌کند، یا محبت علی انسان را از انجام گناه بازمی‌دارد؛ بلکه افرادی در این روایات به تصویر کشیده شده‌اند که با وجود ارتکاب معصیت، مراتب ناقصی از محبت اهل بیت را نیز دارا هستند.

بنابراین، نمی‌توان محبت به امیرمؤمنان و اهل‌بیت را مخصوص انسان‌های وارسته

۱. برای مطالعه بیشتر رک: ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۰۶، ح ۸۱؛ حسن‌بن‌علی ۸، ۱۴۰۹ق، ص ۳۰۵، ح ۱۴۹ به بعد.

دانست و همه گنهکاران را از آن بی بهره پنداشت؛ چراکه بر اساس روایات بسیاری که در این زمینه وارد شده است، یکی از مهم‌ترین آثار حبّ اهل بیت، تکفیر گناه گنهکاران است. آری، محب تمام، عیار کسی است که هیچ‌گاه دست از تبعیت و انجام طاعات برندارد، ولی دیگران نیز هرکدام درصدی از محبت و تبعیت را دارند. اگر کسی محب و شیعه کامل بود و مرتکب هیچ گناهی نشد، قهراً به بهشت می‌رود و این، لطفه‌ای نیست که چندان نیازمند بیان و تأکید و تکرار باشد.

۴. نظریه مختار

برای روشن شدن معنای صحیح روایت از نظر نگارنده باید به چند نکته توجه کرد:

اول: بر اساس عدالت الهی و همچنین آیات قرآن، هیچ عمل خیر یا شری از بین نمی‌رود و اثر آن عمل متوجه صاحبش خواهد بود: (فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ) (زلزله (۹۹)، ۷-۸) و نتیجه اعمال خوب و بد انسان در سه مرحله دنیا، برزخ و قیامت بروز خواهد یافت.

دوم: خداوند متعال اسبابی برای آمرزش و تکفیر گناهان قرار داده است؛ مانند توبه، دعا و شفاعت تا انسان را از ناامیدی در نیل به سعادت بازدارد و جبران اشتباه‌ها برای وی ممکن گردد؛ چنان‌که برخی از گناهان مانند شرک و کفر را موجب نابودی اعمال خوب قرار داده است. این حقیقت با قاعده‌ای که می‌گوید هر عمل خوب و بدی، پاداش و کیفر خاص خود را به دنبال دارد، ناسازگار نیست؛ بلکه باید همه این آیات و روایات را در کنار یکدیگر و مکمل هم دانست. از روایات استفاده می‌شود یکی از بزرگ‌ترین مکفّرات در کنار توبه و عمل صالح، حبّ اهل بیت و در رأس آنان امیرمؤمنان است؛ چنان‌که شیخ صدوق از امام صادق ۷ روایت کرده که فرمود: «همانا حبّ ما اهل بیت گناهان بندگان را می‌زداید؛ همان‌گونه‌که باد شدید برگ درختان را می‌ریزد» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق، ص ۱۸۸) و ابوسعید خدری از پیامبر اکرم ۹ روایت کرده است که فرمود: «هرکس خدا محبت ائمه از اهل بیت من را نصیب او کند، به تحقیق از خیر دنیا و آخرت بهره‌مند شده است. پس هیچ‌کس شک نکند که او از اهل بهشت است» (همو، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۱۵).

درباره محبت اهل بیت روایات را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد:

الف) روایاتی که می‌گویند دین چیزی جز حب و بغض نیست.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ 7 فِي حَدِيثٍ لَهُ قَالَ يَا زِيَادُ وَيُحَكِّ وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ أَلَا تَرَى إِلَى قَوْلِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۶۳).

ب) روایاتی که می‌گویند هر کس همراه آن چیزی است که او را دوست دارد؛ اگر چه یک سنگ باشد.

وَمِنَ الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّحِيحَيْنِ لِلْحَمِيدِيِّ الْحَدِيثُ التَّاسِعُ وَالْخَمْسُونَ مِنَ الْمُتَّفَقِ عَلَيْهِ مِنَ الْبُخَارِيِّ وَ مُسْلِمٍ مِنْ مُسْنَدِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَ بِالْإِسْنَادِ الْمَقْدَمِ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ تَرَى فِي رَجُلٍ أَحَبَّ قَوْمًا لَمْ يَلْحَقْ بِهِمْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صَالِمٌ مَعَ مَنْ أَحَبَّ (ابن بطریق، ۱۴۰۷ق، ص ۲۷۹).

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لَحَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۱۷).

ج) روایاتی که دلالت می‌کند حب اهل بیت ایمان و بغض ایشان کفر است.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ 7 حُبُّنَا إِيمَانٌ وَ بُغْضُنَا كُفْرٌ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۸۸)، وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صَحْبُنَا دِينٌ وَ بُغْضُنَا نِفَاقٌ (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۹۸). أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي تَقْضِي دِينِي وَ تَنْجِرُ عِدَاتِي وَ تُقَاتِلُ بَعْدِي عَلَى التَّأْوِيلِ كَمَا قَاتَلْتَ عَلَى التَّنْزِيلِ يَا عَلِيُّ حُبُّكَ إِيمَانٌ وَ بُغْضُكَ نِفَاقٌ (همان، ص ۱۳۵).

د) روایاتی که می‌گوید اساس اسلام حب اهل بیت است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ 7 قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْإِسْلَامُ عُرْيَانٌ فَلَبَّاسُهُ الْحَيَاءُ وَ زِينَتُهُ الْوَقَارُ وَ مُرُوءَتُهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ عِمَادُهُ الْوَرَعُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۶).

ه) اخبار حاکی از اینکه محب علی، محب پیامبر و محب پیامبر، محب خداوند است.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ 7، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَ مَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فَقَدْ أَبْغَضَنِي، وَ مَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ. اللَّهُمَّ! مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَاجِبُهُ، وَ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فَاجِبُهُ. اللَّهُمَّ! إِنِّي أُحِبُّ عَلِيًّا فَاجِبِهِ (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، ص ۲۱۴).

و) اخبار دال بر اینکه محبت علی مانند آتش گناهان را از بین می‌برد.

حب علی یأکل الذنوب كما تأکل النار الحطب (ابن بابویه، بی تا، ص ۱۲؛ نباطی عاملی، ۱۳۸۴ق، ج ۱، ص ۱۹۸).

ز) روایاتی که می‌فرماید محبت علی حسنه‌ای است که هیچ گناهی با وجود آن ضرر ندارد.

قال رسول الله ﷺ: حب علی بن ابی طالب حسنه لا تضر معها سینه و بغضه سینه لا تنفع معها حسنه» (خوارزمی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۷۶).

ح) اخباری که بیانگر این است که محب اهل بیت باش؛ اگر چه گنهکار هستی.

وَإِلَيْهِ أَشَارَ الرَّضَا [بِمَكْتُوبِهِ] كُنْ مُحِبًّا لَأَلِّ مُحَمَّدٍ وَإِنْ كُنْتَ فَاسِقًا وَ مُحِبًّا لِمُحِبِّيهِمْ وَإِنْ كَانُوا فَاسِقِينَ. (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۹).

با ملاحظه مجموع این روایات، اهمیت و تأثیر فوق‌العاده اکسیر محبت اهل بیت معلوم و بطلان دیدگاه دوم و سوم هم روشن‌تر می‌شود.

سوم: از باب تنظیر می‌توان گفت چنان‌که در فقه برخی روایات حاکم یا وارد بر روایات دیگر هستند (ر.ک: مظفر، ۱۳۸۶ق، ج ۳و ۴، ص ۲۱۹-۲۲۴) در این مباحث نیز روایاتی که می‌گویند با وجود محبت علی هیچ گناهی ضرر نمی‌زند یا محبت علی گناهان را می‌خورد و مانند این مضامین، که شیعه و سنی نقل کرده‌اند، نباید در ردیف ادله احکام یا واجبات و محرّمات قرار گیرد، بلکه مقدم و مافوق آنهاست. ضمن اینکه آن ادله صحیح و پابرجاست و با اذعان به اینکه هر گناهی بازتاب و کیفر دارد، ولی محبت کیمیایی است که فوق همه این امور است و تمام آلودگی‌ها را می‌شوید. به تعبیر بهتر، باور به توحید، معاد و رسالت پیامبر و امامت و ولایت علی 7 زیربنای فکری، اصول عقاید و ریشه همه اخلاقیات و رفتارهاست. پس ریشه و پایه سالم و صحیح باشد، هر آفتی که به شاخ و برگ برسد، می‌تواند اصلاح شود، ولی اگر کسی منکر توحید یا معاد یا رسالت و یا امامت باشد که فصل اخیر ایمان است، اعمال نیکی که انجام می‌دهد، تأثیر کامل را نخواهد داشت. از همین باب است روایاتی که می‌گویند: زیارت امام حسین 7 یا رسول خدا 9 یا امام علی 7 موجب لزوم بهشت می‌شود و همه گناهان را می‌آمرزد و یا روایاتی که می‌گویند: حاجی وقتی لبیک گفت یا اعمال عمره و حج را انجام داد،

همچون طفل تازه از مادر زاییده شده، پاک می‌شود (ر.ک: ابن قولویه، ۱۳۵۶، ابواب مختلف زیارات ائمه؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، باب فضائل حج).

چهارم: همان‌گونه که امام رضا ۷ در حدیث سلسله الذهب از طرف خداوند فرمود: «کلمه لا اله الا الله حصني فمن دخل حصني امن من عذابي؛ بشرطها و انا من شروطها» (همو، ۱۳۷۶، ص ۲۳۵) صرف گفتن و پذیرش کلمه توحید کافی نیست، بلکه لوازمی دارد و باید به سخن خداوند درباره رسالت و امامت و دیگر دستورات الهی ملتزم بود. پذیرش وجود خداوند خالق و یگانگی او بدون تبعیت از او فی الجمله اصلاً معنا ندارد و لقلقه بی معنای زبان است؛ همین‌طور قبول رسالت پیامبر گرامی اسلام و امامت امامان معصوم بدون پذیرش و انجام سفارش‌های ایشان، کم یا بیش معنا ندارد. حال اگر چنین شخص مؤمنی مرتکب گناهان مختلف حتی بسیاری از کبایر بشود، در هنگامه قیامت و حساب و کتاب، محبت علی و فرزندان معصومش به فریاد او می‌رسد و وی را دست‌کم از خلود در آتش که ضرر بزرگ است، حفظ می‌کند.

این به دلیل اهمیت اعتقادات در مقایسه با اعمال است. اگر کسی عقاید حقه داشته شد، عاقبت اهل نجات خواهد بود؛ هرچند در ناحیه عمل دچار نقصان باشد، و مهم‌ترین عقیده صحیح بعد از توحید و معاد، ولایت و محبت انبیا و اوصیاست. از این رو، پیامبر این دو را در کنار هم قرار داد و فرمود: «من به نجات اتمم با حب علیّ امیدوارم؛ چنان‌که به نجات آنها با گفتن «لا اله الا الله» امید دارم» (عمادالدین طبری آملی، ۱۳۸۳ق، ص ۱۴۵). البته باید توجه داشت بر مبنای این روایات و مانند آن، نمی‌توان اباحه‌گری و بی‌قیدی به شریعت را نتیجه گرفت و بر پایه محبت اهل بیت به فسق و فجور پرداخت؛ زیرا رهبران دینی هیچ‌گاه پیروان خود را به رعایت نکردن دین‌شان توصیه نمی‌کنند. پیامبر و اهل بیت او، پیشوایان دین اسلام‌اند و آنچه فرموده‌اند برای حفظ دین خدا و هدایت متدینان به سوی آن بوده است. این پندار جاهلانه که محبان اهل بیت حق دارند مرتکب هر معصیتی بشوند و خداوند آنان را عقاب نخواهد نمود، سخنی گزاف و نارواست که نه با عقل سازگار است و نه با سیره اهل بیت بر ترغیب شیعیان به انجام واجبات و ترک محرمات.

اما می‌توان این روایت را به‌گونه‌ای تبیین کرد که مستلزم چنین مطلبی نباشد؛ به این معنا که بگوییم حبّ امیرمؤمنان مانع ضرر اخروی است و محب او هیچ‌گاه استحقاق ثواب و بهشت را از دست نمی‌دهد و اعمالش حبط نمی‌شود و مخلد در دوزخ نمی‌گردد؛ زیرا

چنان که در جواب اشکال دوم ابن تیمیه بیان شد، حب آن جناب فصل اخیر ایمان است و تا وقتی در سینه کسی موجود باشد، کفر را در آن سینه راهی نیست. پس خطر ورود و خلود در نار و عدم استحقاق ثواب، محب آن حضرت را تهدید نمی کند.

علامه طباطبایی ذیل آیه ۸۱ سوره مبارکه بقره (بلی مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) فرموده است: احاطه خطیئه باعث می شود انسان محاط بدان، دستش از هر راه نجاتی بریده شود، و خطیئه چنان او را محاصره کند که هیچ راه و روزنه ای برای هدایت شدنش باقی نماند. در نتیجه، چنین کسی جاودانه در آتش خواهد بود و اگر در قلب او مختصری ایمان وجود داشت و یا از اخلاق و ملکات فاضله که منافی با حق نیستند، از قبیل انصاف و خضوع در برابر حق و نظیر این دو بهره ای داشت، قطعاً امکان نفوذ هدایت در دلش وجود داشت و مخلد در آتش نمی شد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۲۵).

ازاین رو، حصول ایمان در جوهر ذات انسان، منشأ استعداد قبول رحمت واسعه الهی است و انحراف از جاده عدالت در افعال و اقوال، به منزله مرضی است که عارض او می شود و ابتلا به شداید دنیوی یا برزخی به منزله مداوای اوست.

بنابراین، اگر محب امیرمؤمنان مرتکب معصیت شود، در دنیا به بلا و مصیبت و مریضی گرفتار می شود تا گناهانش تطهیر گردد یا ملک الموت جان او را به سستی می ستاند، و اگر باز هم از گناهان پاک نشد، در برزخ به عذاب الهی گرفتار می گردد و سرانجام در قیامت وارد بهشت می شود؛ زیرا محبت آن حضرت مانع احاطه گناه و از بین رفتن روزنه های هدایت در قلب محب می شود؛ چراکه حب علی، ایمان است.

رسول خدا ﷺ فرمود: همانا ولایت علی حسنه ای است که هیچ یک از گناهان با آن ضرر نرساند؛ حتی گناهان بزرگ، جز اینکه صاحب آن گناه به گرفتاری های دنیوی و بخشی از عذاب اخروی دچار می شود تا گناهانش پاک گردد و به شفاعت پیشوایان پاک و پاکیزه اش نجات یابد، و همانا ولایت دشمنان علی و مخالفت با او گناهی است که هیچ حسنه ای با آن سود نرساند، جز آنکه نعم دنیوی و سلامتی و وسعت روزی برای صاحب آن عبادات در دنیا حاصل می گردد، ولی در آخرت جز عذاب دایمی چیزی برای آنان نیست. منکر ولایت علی، هیچ گاه بهشت را نخواهد دید، مگر اینکه به او نشان خواهند داد اگر ولایت علی را داشت، در کجای بهشت می زیست، و این سبب ازدیاد حسرت و پشیمانی وی می گردد. پس کسی که

ولایت علی و برائت از دشمنان او را داشته باشد و با دوستان او به مسالمت رفتار کند، هرگز دوزخ را نخواهد دید، مگر اینکه به او می‌گویند: اگر ولایت علی را نداشتی، جایگاهت کجای دوزخ بود (حسن بن علی 8، ۴۰۹، ص ۳۰۵، ح ۱۴۸).

همچنین عمرو بن یزید می‌گوید: به امام صادق 7 عرض کردم: شنیده‌ام که شما فرموده‌اید: تمام شیعیان ما در بهشت‌اند به‌رغم کارهایی که مرتکب شده‌اند! حضرت فرمود: «راست گفته‌ام. به خدا سوگند که همه آنها در بهشت‌اند». عرض کردم: فدایت شوم! گناهان ایشان فراوان و بزرگ است! فرمود: «بدانید که در قیامت همه شما به شفاعت پیامبر مَطَّاع یا وصی او - که درود خدا بر همه ایشان باد - در بهشتید، لیکن به خدا قسم من درباره برزخ بر شما می‌ترسم». پرسیدم: برزخ چیست؟ فرمود: «عالم قبر از هنگام موت تا روز قیامت» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۴۳).

بر همین اساس، استاد شهید مرتضی مطهری در ادامه بحث خود می‌فرماید: از نظر آیات کریمه قرآن مجید و هم از نظر روایات اسلامی این مطلب قطعی است که گناهکار هر چند مسلمان باشد، به عذاب الهی معذَّب خواهد بود؛ گو اینکه وقتی دارای ایمان باشد، بالاخره به رستگاری نهایی و خلاصی از دوزخ نایل می‌گردد، ولی ممکن است نجات او پس از سال‌ها چشیدن رنج و عذاب باشد. حساب گناهان یک عده در شاداید و سكرات مرگ تصفیه می‌گردد، گروهی دیگر با عذاب‌های قبر و عالم برزخ جریمه گناهان خود را می‌پردازند و جمعی دیگر در احوال قیامت و شاداید حساب، کیفر خود را می‌بینند و عده‌ای به دوزخ می‌افتند و سال‌ها در عذاب درنگ می‌کنند (مطهری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۸ و ۳۳۹). این سخن نهایی ایشان، همان نظری است که ما برگزیدیم؛ تنها اختلاف در عدم دخول در دوزخ یا ورود به جهنم اخروی و سپس رهایی از آن است.

نتیجه‌گیری

ابن تیمیه و پیروانش بر پایه عقاید خاص خود، محبت حضرت علی 7 را فاقد کوچک‌ترین اثری دانستند و روایت را مجعول برشمردند و به همین دلیل اشکال‌هایی به سند و دلالت حدیث وارد کردند. اما با بررسی سند حدیث روشن شد نه تنها مجعول نیست، بلکه سند صحیح دارد و در روایات بسیار دیگری نیز به حبّ آن حضرت ترغیب شده است، و با بررسی دلالت حدیث، بی‌اساس بودن دیگر اشکال‌های ایشان مشخص شد.

صاحبان قول دوم و سوم این حدیث را پذیرفتند، ولی در مدلول آن تصرف کردند تا بوی اباحه‌گری از آن به مشام نرسد. امثال سلطان الواعظین در معنای سینه تصرف نمود و آن را به معنای گناه صغیره گرفت تا بگوید محب امیرمؤمنان برای آمرزش گناهان کبیره خود باید توبه کند و به حب آن جناب تکیه ننماید، لیکن این تحلیل نه با آیات قرآن مطابقت دارد و نه با نیمه دوم حدیث محل بحث سازگار است.

گروه سوم مراد از حب را در این روایت، محبت صادقانه و کامل دانستند که سبب متابعت کامل محب از محبوب می‌گردد. از این رو، عدم اضرار گناه را به محب امیرمؤمنان از باب سالبه به انتفای موضوع تفسیر کردند، لیکن چنین مطلبی با روایات اهل بیت مبنی بر تکفیر گناهان محبان ایشان ناسازگار است.

حد اعتدال میان افراط و تفریط در معنای حدیث «حب علی بن ابی طالب حسنه لا تضر معها سینه» آن است که نه با تکیه بر حب اهل بیت مرتکب گناه شویم و نه گنهکاران را از دایره محبان اهل بیت خارج کنیم، بلکه بگوییم حب امیرمؤمنان سبب نجات از دوزخ و عدم استحقاق ثواب است که در اثر کفر حاصل می‌شود، و محب آن حضرت هر چند گنهکار باشد، بی ایمان نخواهد بود؛ چراکه محبت امام علی 7 ایمان است و همین مانع ناامیدی گنهکاران از نجات و رستگاری می‌شود، لیکن محب گنهکار برای پاک شدن از گناهان به بلای دنیوی یا دوزخ برزخی دچار می‌شود و همین برای ترس و پرهیز دوستداران آن جناب از گناه کافی است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأمالی. چاپ ششم. تهران: کتابچی.
۲. _____ (۱۳۶۲). الخصال (ج ۲). تحقیق علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳. _____ (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (ج ۲). تحقیق علی اکبر غفاری. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴. _____ (۱۴۰۶ق). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. چاپ دوم. قم: دار الشریف الرضی.
۵. _____ (بی تا). فضائل الشيعة. تهران: اعلمی.
۶. ابن بطریق، یحیی بن حسن (۱۴۰۷ق). عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۷. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۴ق). تهذیب التهذیب (ج ۳ و ۹). بیروت: دارالفکر.
۸. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶ق). منهاج السنه النبویه (ج ۵). [بی جا]: مؤسسه قرطبه.
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب (ج ۳). قم: نشر علامه.
۱۰. ابن صباغ، علی بن احمد (بی تا). الفصول المهمه فی معرفه احوال الانمه. قم: دارالحديث.
۱۱. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۹ق). تاریخ دمشق (ج ۵، ۳۰، ۴۲). بیروت: دارالفکر.
۱۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). کامل الزیارات. تحقیق عبدالحسین امینی. نجف: دارالمرتضویه.
۱۳. ابویعلی، احمد بن علی (بی تا). طبقات الحنابلہ (ج ۱-۲). بیروت: دارالمعرفه.
۱۴. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). کشف الغمه فی معرفه الائمه (ج ۱). تبریز: بنی هاشم.
۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ق). الصحيح (ج ۳-۴). چاپ سوم. بیروت: دار ابن کثیر.
۱۶. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). المحاسن (ج ۱). تحقیق جلال الدین محدث. چاپ دوم. قم: دار الکتب الإسلامیة.
۱۷. تجلیل، جلیل (۱۴۱۳ق). «و من رشحاته حب علي». قم: مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، شماره ۵۷، ص ۲۹-۵۷.

۱۸. ترمذی، محمد بن عیسی (بی تا). سنن (ج ۵). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. تمیمی، محمد بن حبان (۱۳۹۵ق). الثقات (ج ۸-۹). بیروت: دار الفکر.
۲۰. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱). الأصول الستة عشر. تحقیق ضیاء الدین محمودی، نعمت الله جلیلی، مهدی غلامعلی. قم: مؤسسه دارالحدیث الثقافیه.
۲۱. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۹۷۸م). المستدرک علی الصحیحین (ج ۱۴۳). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۲. حسن بن علی ۸، امام یازدهم (۱۴۰۹ق). تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ۷. قم: مدرسه امام مهدی ۷.
۲۳. حلبی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۰ق). السیره الحلبیه فی سیره الامین المأمون (ج ۳). بیروت: دارالمعرفه.
۲۴. حویزی، علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). نورالثقلین (ج ۴). چاپ چهارم. قم: اسماعیلیان.
۲۵. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). کفایه الاثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر. تحقیق عبداللطیف کوه کمری. قم: بیدار.
۲۶. خطیب بغدادی، احمد بن علی (بی تا). تاریخ بغداد (ج ۴). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۷. خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۱۱ق). المناقب (ج ۱). قم: موسسه نشر اسلامی.
۲۸. دیلمی، شیرویه بن شهردار (۱۴۰۶ق). الفردوس بمانور الخطاب (ج ۲). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۹. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۹ق). تذکره الحفاظ (ج ۳). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۰. _____ (بی تا). سیر اعلام النبلاء (ج ۱۶). بیروت: موسسه الرساله.
۳۱. رازی، خضر (۱۴۲۴ق). التوضیح الوارده لدفع شبه الأعور. تحقیق سید مهدی رجایی. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۲. رازی، منتجب الدین علی بن عبید الله (۱۴۰۸ق). الأربعون حدیثا. قم: مدرسه امام مهدی ۷.
۳۳. سلطان الواعظین، سید محمد (۱۴۱۹ق). لیالی پیشاور مناظرات و حوار. بیروت: موسسه البلاغ.
۳۴. شوشتری، نور الله بن شریف الدین (۱۴۰۹ق). احقاق الحق و ازهاق الباطل (ج ۷). قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
۳۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۰۹ق). حقائق ایمان مع رسالتی الاقتصاد و العدالة.

- تحقیق سید مهدی رجایی. قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
۳۶. شبیانی، احمد بن حنبل (۱۴۲۰ق). المسند (ج ۲ و ۴). بیروت: مؤسسة الرسالة.
۳۷. _____ (۱۴۰۳ق). فضائل الصحابه (ج ۲). بیروت: مؤسسة الرسالة.
۳۸. طباطبایی محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱). چاپ پنجم. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). امالی. قم: دار الثقافة.
۴۰. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱۰). چاپ دوم. تهران: اسلام.
۴۱. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۳ق). مختصر مفید (ج ۲). بیروت: المركز الإسلامي للدراسات.
۴۲. علی، حسن عبدالله (۱۴۲۶ق). الحصون المنیعة: رد علی کتاب حوار هادئ بین السنة والشیعة. مشهد: مؤسسه عاشوراء.
۴۳. عمادالدین طبری آملی، محمد بن علی (۱۳۸۳ق). بشاره المصطفی لشیعة المرتضی. چاپ دوم. نجف: المکتبه الحیدریة.
۴۴. فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ج ۲). قم: رضی.
۴۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۸ق). علم الیقین فی أصول الدین (ج ۲). قم: بیدار.
۴۶. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۷ق). الدعوات یا سلوة الحزین. قم: مدرسه امام مهدی ۷.
۴۷. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ق). ینابیع المودّه (ج ۱-۲). تهران: اسوه.
۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). کافی (ج ۱-۳). تهران: دارالکتب الاسلامی.
۴۹. گنجی شافعی، محمد بن یوسف (۱۴۰۴ق). کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب ۷. چاپ سوم. تهران: دار احیاء تراث اهل البیت .:
۵۰. متقی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۱ق). کنز العمال فی السنن و الأقوال (ج ۱، ۱۳-۱۴). چاپ پنجم. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۵۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق). بحار الانوار (ج ۳۴ و ۶۵). بیروت: مؤسسة الوفاء.
۵۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۵). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵۳. مطهری، مرتضی (بی تا). مجموعه آثار (ج ۱). تهران: صدرا.
۵۴. مظفر، محمد حسن (۱۴۲۲ق). دلائل الصدق (ج ۶). قم: مؤسسة آل البیت .:

۵۵. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۶ق). اصول الفقه (ج ۳-۴). چاپ دوم. نجف: دار النعمان.
۵۶. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۳۸۳). شرح نهج البلاغه (ج ۱۴). قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
۵۷. مفتاح، احمد رضا (۱۳۸۶). «جایگاه ولایت و عمل در نجات از منظر شیعه». هفت آسمان. شماره ۳۶، ص ۱۵۷-۱۸۰.
۵۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). الاختصاص. قم: کنگره شیخ مفید.
۵۹. میلانی، سید محمد هادی (۱۴۲۶ق). قادتنا کیف نعرفهم (ج ۱). تحقیق سید محمد علی میلانی. قم: شریعت.
۶۰. نباطی عاملی، علی بن محمد (۱۳۸۴ق). الصراط المستقیم إلى مستحقی التقدیم (ج ۱). تحقیق میخائیل رمضان. نجف: المکتبه الحیدریه.
۶۱. نراقی، مهدی بن ابی ذر (۱۳۶۹). أنیس الموحدين. تحقیق سید محمد علی قاضی طباطبایی. تهران: الزهراء ۳.
۶۲. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل (ج ۱۲). قم: موسسه آل البيت .: